رسول ولی‌پور[۱]
مهدی شریفی[۲]
سید محمود معینی[۳]

چهارچوب نظری طراحی مسکن دولتی‌ساخت با رویکرد فرهنگ و هویت بومی؛ تحلیل موردی خرم‌آباد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹
doi 10.22034/10.2.226

چکیده

مسکن دولتی‌ساخت در ایران به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلان دولت برای پاسخ به نیاز سکونتی اقشار کم‌درآمد، همواره مورد توجه بوده است. با این حال، تجربهٔ پروژه‌هایی چون «مسکن مهر» نشان داده که اگرچه این طرح‌ها توانسته‌اند بخشی از نیاز کمّی جامعه را تأمین کنند، اما در ابعاد کیفی، هویتی و فرهنگی دچار ضعف‌های جدی بوده‌اند؛ بسیاری از این واحدها به‌دلیل طراحی تیپ‌وار و بی‌توجهی به ارزش‌های بومی، فاقد حس تعلق و هویت فضایی‌اند. این مقاله با رویکرد کیفی و ماهیت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل محتوا و مقایسهٔ تطبیقی (Case Study) به بررسی مبانی نظری، مرور دیدگاه‌های نظریه‌پردازان جهانی و ایرانی و تحلیل تجربه‌های بومی خرم‌آباد می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد شاخص‌هایی همچون محرمیت، سلسله‌مراتب فضایی، تعاملات اجتماعی، پیوند با طبیعت و روایت‌پذیری فضایی، نقشی کلیدی در بازتولید هویت فرهنگی ایفا می‌کنند.

در نهایت، مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش بر پایهٔ سه سطح ورودی‌ها (سیاست‌های کلان، فرهنگ بومی و سنت‌های محلی)، شاخص‌های میانجی (کیفیت فضا، تعامل اجتماعی و صرفه‌جویی انرژی) و خروجی‌ها (ارتقای کیفیت سکونت، بازتولید هویت فرهنگی و پایداری اجتماعی) طراحی شده است. این چهارچوب می‌تواند الگویی بومی برای سایر شهرهای ایران باشد و به معماران و سیاست‌گذاران در بازاندیشی پروژه‌های مسکن دولتی‌ساخت یاری رساند.

واژگان کلیدی: مسکن دولتی، هویت بومی، فرهنگ محلی، چهارچوب نظری

۱. گروه معماری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.
rasoul.valipoor@iau.ac.ir
۲. گروه معماری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).
Mahdi.sharifi@iau.ac.ir
۳. گروه معماری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.
mmoeini.arch@iau.ac.ir

Rasoul Valipour[1]
Mehdi Sharifi[2]
Seyed Mahmoud Moeini[3]

A Theoretical Framework for the Design of State-Built Housing Centred on Vernacular Culture and Identity: A Case Study of Khorramabad

Received: 2025/10/13
Accepted: 2025/11/30

Abstract

State-built housing in Iran, as a primary macro-policy designed to address the accommodation needs of low-income demographics, remains a persistent focal point in contemporary urban planning. However, empirical evidence from initiatives such as the '*Mehr* Housing' project reveals that while these schemes have partially satisfied quantitative demands, they demonstrate profound deficiencies regarding their qualitative, cultural, and identity-centric dimensions. Consequently, owing to standardised design paradigms and a pervasive disregard for local values, these residential units inherently lack spatial identity and fail to foster a sense of belonging among inhabitants. Adopting a qualitative, descriptive-analytical approach, this study employs content analysis alongside a comparative case study method. It scrutinises foundational theories, synthesises the perspectives of both international and Iranian theorists, and critically analyses the vernacular architectural heritage of Khorramabad. The findings indicate that distinct spatial indicators-namely privacy, spatial hierarchy, social interaction, integration with nature, and spatial narrativity are pivotal in the reproduction of cultural identity. Ultimately, the study proposes a tripartite conceptual model structured across three levels: inputs (macro-policies, vernacular culture, and local traditions), mediating indicators (spatial quality, social interaction, and energy conservation), and outputs (enhanced residential quality, reproduction of cultural identity, and social sustainability). This framework offers a localised paradigm applicable to other Iranian contexts, providing architects and policymakers with a robust theoretical foundation to reconceptualise future state-built housing schemes.

Keywords: State-built housing; Vernacular identity; Local culture; Theoretical framework; Spatial identity.

1. Department of Architecture, Bo.c., Islamic Azad University, Borujerd, Iran. rasoul.valipoor@iau.ac.ir
2. Department of Architecture, Khor.C., Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. (Corresponding author) Mahdi.sharifi@iau.ac.ir
3. Department of Architecture, Mal.c., Islamic Azad University, Malayer, Iran mmoeini.arch@iau.ac.ir

ارجاع به مقاله: ولی‌پور، ر. ؛ شریفی، م. ؛ معینی ، س. م. (۱۴۰۴). چهارچوب نظری طراحی مسکن دولتی‌ساخت با رویکرد فرهنگ و هویت بومی؛ تحلیل موردی خرم‌آباد. گلستان هنر، ۱۰(۲۹): ۲۱۱-۲۲۶.

How to Cite This Article: Valipour, R.; Sharifi, M; Moeini, S. M. (2026). A Theoretical Framework for the Design of State-Built Housing Centred on Vernacular Culture and Identity: A Case Study of Khorramabad. *Golestan– e Honar*. 10(29): 211-226.

۱. مقدمه

مسکن همواره یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر بوده و در طول تاریخ، علاوه بر کارکرد زیستی و حفاظتی، نقش مهمی در بازنمایی فرهنگ، هویت و ارزش‌های اجتماعی ایفا کرده است. خانه در بسیاری از جوامع، صرفاً یک مأوا برای زیستن نبوده، بلکه محلی برای شکل‌گیری خاطرات جمعی، استمرار سنت‌ها و بازتولید روابط اجتماعی محسوب می‌شده است. در واقع، سکونتگاه انسانی را می‌توان متنی فرهنگی دانست که ارزش‌های بومی، سبک‌های زندگی و الگوهای رفتاری را در خود منعکس می‌کند. مطالعات اخیر (مانند حسینی و همکاران، ۱۴۰۱) نشان می‌دهند که اصلی‌ترین چالش‌های مسکن اجتماعی، نه در تأمین زیرساخت‌ها، بلکه در بحران هویت و معنای مکان ریشه دارد. این پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که سیاست‌های دولتی باید از رویکرد تیپ‌سازی صِرف، به سمت طراحی زمینه‌گرا (Contextual Design) حرکت کنند، به‌طوری که معماری مسکن، منعکس‌کنندهٔ سبک زندگی و روابط اجتماعی محلی باشد (رجبی، ۱۴۰۲). این توجه جدید به ابزارهای فرهنگی به جای ابزارهای کالبدی، موضوع اصلی بازاندیشی در پروژه‌های مسکن آتی است.

در ایران نیز تجربهٔ معماری سنتی نشان می‌دهد که مسکن در کنار کارکردهای اقلیمی و عملکردی، بستری برای تجلی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی بوده است. خانه‌های سنتی در شهرهای مختلف ایران، از جمله خرم‌آباد، نه تنها براساس اصول فنی و اقلیمی طراحی می‌شده‌اند، بلکه دارای سازمان فضایی پیچیده‌ای بودند که محرمیت، سلسله‌مراتب فضایی، تعاملات اجتماعی و پیوند با طبیعت را بازتاب می‌دادند. حیاط مرکزی، ایوان‌ها، اتاق‌های تودرتو و فضاهای نیمه‌باز، همه نشانگر این هستند که معماری سنتی ایران عمیقاً در فرهنگ و هویت بومی ریشه داشته است (ترابی، ۱۳۹۶).

اما طی دهه‌های اخیر، با رشد سریع شهرنشینی و نیاز فزاینده به مسکن، دولت‌ها به سیاست‌های انبوه‌سازی روی آورده‌اند. پروژه‌های دولتی‌ساخت مانند «مسکن مهر» در ایران، به‌ویژه پس از دههٔ ۱۳۸۰، به‌عنوان راه‌حلی فوری برای تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد مطرح شدند. اگرچه این پروژه‌ها توانستند بخشی از نیاز کمّی به مسکن را برطرف کنند، اما در ابعاد کیفی، فرهنگی و هویتی با کاستی‌های بنیادین مواجه بودند؛ بسیاری از واحدهای مسکن مهر، به‌صورت تیپ‌وار و تکراری طراحی شدند و هیچ‌گونه ارتباطی با فرهنگ بومی، نیازهای اجتماعی و سبک زندگی ساکنان برقرار نکردند (هدایتی، ۱۳۹۷).

شهر خرم‌آباد به‌عنوان مرکز استان لرستان، با پیشینهٔ تاریخی و فرهنگی غنی، نمونه‌ای بارز از شهری است که معماری بومی آن دارای هویت خاص و ارزشمند است. خانه‌های تاریخی همچون خانهٔ «آخوند ابوقاضی»، خانهٔ «سید عبدالله کشفی» و خانهٔ «جوادیان»، نشان می‌دهند که چگونه معماری سنتی این منطقه توانسته است به‌طور هم‌زمان به الزامات اقلیمی پاسخ دهد و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مردم لر را منعکس کند. در این خانه‌ها، سلسله‌مراتب فضایی به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که محرمیت خانوادگی حفظ شود، در عین حال فضاهای نیمه‌عمومی برای پذیرایی از مهمانان و برگزاری آیین‌های اجتماعی فراهم بود. همچنین، استفاده از مصالح بومی همچون سنگ و چوب،

پیوندی میان بنا و محیط طبیعی ایجاد می‌کرد (میرزایی، ۱۳۹۴).

در مقابل، پروژه‌های مسکن مهر در خرم‌آباد، فاقد چنین ویژگی‌هایی بودند. واحدهای مسکونی این پروژه‌ها به‌صورت آپارتمان‌های تیپ‌وار و تکراری ساخته شدند، بدون آنکه به الگوهای فضایی و نیازهای فرهنگی مردم منطقه توجه شود. به همین دلیل، بسیاری از ساکنان احساس بیگانگی با محیط سکونتی خود دارند و این مسئله به بروز مشکلات اجتماعی، کاهش حس تعلق و افت کیفیت زندگی منجر شده است (نادری، ۱۳۹۹).

از این رو، مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر فقدان چهارچوب نظری مناسب برای طراحی مسکن دولتی مبتنی بر فرهنگ و هویت بومی در خرم‌آباد است. پرسش کلیدی این است:

«چگونه می‌توان شاخص‌های فرهنگی و هویتی را در فرایند طراحی مسکن دولتی‌ساخت بازتولید کرد تا کیفیت سکونت ارتقا یابد و حس تعلق ساکنان تقویت شود؟»

این مقاله بر آن است که با مرور مبانی نظری و بررسی نظریه‌های جهانی و ایرانی در حوزهٔ معماری و هویت، چهارچوبی نظری برای طراحی مسکن دولتی در خرم‌آباد ارائه دهد. چهارچوب پیشنهادی تلاش می‌کند تا ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای کمّی و عملکردی، به ابعاد کیفی و فرهنگی نیز توجه داشته باشد. این چهارچوب در سه سطح ورودی‌ها، شاخص‌های میانجی و خروجی‌ها سازمان‌دهی می‌شود؛ ورودی‌ها سیاست‌های کلان، فرهنگ بومی و سنت‌های محلی هستند. شاخص‌های میانجی کیفیت فضا، تعاملات اجتماعی، تزئینات و صرفه‌جویی انرژی را شامل می‌شود و خروجی‌ها ارتقای کیفیت سکونت، بازتولید هویت فرهنگی و پایداری اجتماعی را در بر می‌گیرند.

اهمیت این پژوهش در آن است که می‌تواند الگویی بومی برای طراحی مسکن دولتی در سایر شهرهای ایران نیز ارائه دهد. در شرایطی که بسیاری از پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن به‌دلیل بی‌توجهی به فرهنگ بومی با شکست مواجه شده‌اند، بازاندیشی در طراحی مسکن بر پایهٔ هویت و فرهنگ می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی، افزایش رضایت‌مندی ساکنان و تقویت همبستگی اجتماعی منجر شود.

بنابراین، هدف این مقاله نه صرفاً ارائهٔ یک مدل نظری، بلکه تبیین رویکردی است که بتواند در عمل نیز به کار بسته شود. معماران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌توانند از این چهارچوب به‌عنوان ابزاری برای طراحی پروژه‌های مسکن دولتی استفاده کنند تا این پروژه‌ها به جای تولید فضاهای بی‌روح و بی‌هویت، بستری برای بازتولید هویت و فرهنگ بومی باشند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، در دستهٔ پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد، زیرا هدف نهایی آن ارائهٔ چهارچوبی عملیاتی برای بهبود کیفیت طراحی مسکن دولتی‌ساخت است. از منظر رویکرد، این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی (Descriptive-Analytical) است.

۲-۱. جمع‌آوری داده‌ها

در گام اول، برای تدوین مبانی نظری و پیشینهٔ

پژوهش، از روش اسنادی و کتاب‌خانه‌ای (Documen-tary) استفاده شده است. منابع مورد استفاده شامل کتاب‌ها، مقالات علمی (داخلی و خارجی) و اسناد مربوط به سیاست‌های مسکن دولتی‌ساخت بوده‌اند. هدف از این بخش، شناخت مفاهیم کلیدی «هویت بومی»، «فرهنگ بومی» و «مسکن دولتی‌ساخت» و استخراج شاخص‌های مرتبط بوده است.

۲-۲. تحلیل داده‌ها (تحلیل موردی)

در گام دوم، از روش تحلیل محتوا و تحلیل موردی (Case Study) بهره گرفته شده است. در این بخش، معماری بومی خرم‌آباد (خانه‌های آخوند ابوقاضی، کشفی و جوادیان) به‌عنوان نمونه‌های موفق هویتی، با پروژه‌های معاصر دولتی (مسکن مهر شریعتی، دره‌گرم و کمالوند) به‌عنوان نمونه‌های فاقد هویت، به‌صورت تطبیقی مقایسه و تحلیل شده‌اند.

۲-۳. مدل سازی

در نهایت، با تلفیق نتایج حاصل از مرور نظریه‌ها و تحلیل موردی، مدل مفهومی سه‌سطحی (ورودی، میانجی، خروجی) به‌صورت استدلالی استنتاج و ارائه گردیده است. این روش ترکیبی، اعتبار نظری و عملیاتی چهارچوب پیشنهادی را تقویت می‌کند.

۳. پیشینهٔ پژوهش

۳-۱. مطالعات داخلی

در ایران، موضوع مسکن دولتی‌ساخت و پروژه‌های انبوه‌سازی به‌ویژه «مسکن مهر»، از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر پژوهش‌ها به ابعاد کمّی و عملکردی این طرح‌ها پرداخته‌اند، در حالی که جنبه‌های فرهنگی و هویتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ترابی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان داده است که گسست از سنت‌های معماری بومی منجر به کاهش کیفیت سکونت و افت هویت در معماری معاصر شده است. او تأکید دارد که بازگشت خلاقانه به الگوهای بومی، می‌تواند راهکاری برای ارتقای کیفیت مسکن اجتماعی باشد.

شریفی (۱۳۹۵) با تأکید بر نقش فرهنگ بومی در کیفیت زندگی سکونتی، بیان کرده که بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی در طراحی واحدهای مسکن مهر، موجب نارضایتی و کاهش حس تعلق ساکنان شده است.

هدایتی (۱۳۹۷) به مسئلهٔ هویت کالبدی در مسکن اجتماعی پرداخته و نشان داده که طراحی تیپ‌وار واحدهای مسکن مهر، باعث بیگانگی ساکنان از محیط سکونتی شده است.

مقیمی (۱۳۹۸) پیوند میان فرهنگ بومی و پایداری معماری را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که معماری پایدار تنها با بهره‌گیری از الگوهای فرهنگی محقق می‌شود.

میرزایی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای بر خانه‌های سنتی لرستان نشان داده است که سازمان فضایی این خانه‌ها بر مبنای سلسله‌مراتب فضایی، محرمیت و پیوند با طبیعت شکل گرفته و به همین دلیل دارای غنای هویتی بالایی بوده‌اند.

در مجموع، مطالعات داخلی بیشتر به اهمیت فرهنگ و هویت در کیفیت سکونت اشاره داشته‌اند، اما کمتر مدلی جامع برای به‌کارگیری این شاخص‌ها در پروژه‌های مسکن دولتی‌ساخت ارائه کرده‌اند.

۲-۳. مطالعات خارجی

در سطح جهانی، پژوهش‌های گسترده‌ای دربارهٔ مسکن اجتماعی، سیاست‌های دولتی و نقش فرهنگ در طراحی مسکن انجام شده است.

در اروپا، فرامپتون (۱۹۸۳) با نظریهٔ «منطقه‌گرایی انتقادی» تأکید کرده است که معماری باید میان تکنولوژی مدرن و سنت‌های بومی تعادلی انتقادی برقرار سازد. این دیدگاه بعدها در طراحی مسکن اجتماعی الهام‌بخش بسیاری از پروژه‌های محلی بوده است.

نوربرگ-شولتز (۱۹۸۰) با مفهوم «روح مکان» نشان داد که تجربهٔ اصیل سکونت تنها زمانی حاصل می‌شود که معماری با هویت و فرهنگ بومی پیوند داشته باشد.

در مطالعات شهری امریکا، ادوارد سوجا (۱۹۹۶) مفهوم «تولید اجتماعی فضا» را مطرح کرده که بیان می‌کند مسکن باید محصولی از تعامل کالبد و روابط اجتماعی باشد.

دورین مسی (۲۰۰۵) فضا را برساخته‌ای اجتماعی دانسته و نشان داده است که نادیده گرفتن فرهنگ و روابط اجتماعی در طراحی مسکن اجتماعی، منجر به ازخودبیگانگی ساکنان می‌شود.

در نیوزیلند و استرالیا، پروژه‌هایی نظیر «Wananu Ora» یا «Reimagining Indigenous Social Hous-ing» نشان داده‌اند که بازگشت به سنت‌های بومی و در نظر گرفتن هویت فرهنگی، می‌تواند حس تعلق و پایداری اجتماعی را افزایش دهد.

۳-۳. جمع‌بندی انتقادی

مرور پیشینه نشان می‌دهد که هم در ایران و هم در جهان، مسئلهٔ پیوند میان مسکن دولتی/اجتماعی و فرهنگ بومی یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران بوده است. با این حال:

- در ایران، پژوهش‌ها بیشتر توصیفی و انتقادی بوده و کمتر به ارائهٔ چهارچوب نظری منسجم برای طراحی منتهی شده است.

- در جهان، مدل‌های نظری متعددی ارائه شده، اما اغلب پژوهشگران بر بسترهای فرهنگی خاص خودشان متمرکز بوده‌اند و قابلیت انتقال مستقیم به بافت ایران را ندارند.

بنابراین، ضرورت اصلی پژوهش حاضر، تدوین چهارچوب نظری بومی برای طراحی مسکن دولتی ساخت در خرم‌آباد است؛ چهارچوبی که هم از مبانی نظری جهانی الهام بگیرد و هم بر میراث فرهنگی و معماری بومی ایران تکیه کند.

۴. مبانی نظری

۱-۴. مفهوم هویت و فرهنگ بومی در معماری

هویت و فرهنگ بومی به‌عنوان دو مقولهٔ بنیادی در معماری، نه تنها ابعاد کالبدی و فضایی یک بنا را شکل می‌دهند، بلکه معنا، ارزش و حس تعلق به فضا را نیز پدید می‌آورند. معماری به‌مثابه زبان فرهنگ، بازتاب‌دهندهٔ شیوهٔ زندگی، باورها و سنت‌های یک جامعه است. در این میان، هویت فضایی بیانگر آن ویژگی‌های خاص کالبدی و معنایی است که یک محیط را از محیط دیگر متمایز می‌سازد و موجب می‌شود فرد نسبت به آن احساس تعلق یا بیگانگی کند (Norberg-Schulz, 1980).

در معماری بومی ایران، به‌ویژه در مناطق غربی چون لرستان، هویت همواره در ارتباط تنگاتنگ با

فرهنگ و اقلیم شکل گرفته است. عناصر کالبدی همچون حیاط مرکزی، ایوان‌های نیمه‌باز، اتاق‌های تودرتو و استفاده از مصالح بومی، صرفاً پاسخ به نیازهای عملکردی و اقلیمی نبوده، بلکه حامل معانی فرهنگی و اجتماعی نیز بوده است (میرزایی، ۱۳۹۴). این الگوها علاوه بر تأمین آسایش حرارتی و اقلیمی، امکان برگزاری آیین‌ها، حفظ محرمیت خانوادگی و تقویت تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کرده‌اند.

در مقابل، مسکن دولتی‌ساخت در دهه‌های اخیر عمدتاً براساس معیارهای کمّی و تیپ‌سازی شکل گرفته و به همین دلیل اغلب فاقد پیوند ارگانیک با فرهنگ بومی و نیازهای اجتماعی ساکنان بوده است (هدایتی، ۱۳۹۷).

با توجه به این چالش‌های عمیق، مطالعات نوین در حوزهٔ معماری، به‌ویژه از دههٔ ۱۴۰۰ به بعد، رویکرد عمیق‌تری نسبت به مفهوم هویت بومی اتخاذ کرده‌اند.

پاکزاد (۱۴۰۱) با طرح مفهوم هویت چندلایه، استدلال می‌کند که هویت فضایی در بافت‌های سکونتی معاصر، صرفاً نتیجهٔ تقلید کالبدی از فرم‌های گذشته نیست، بلکه باید به روایت‌های اجتماعی جدید و سبک زندگی نوین ساکنان نیز توجه کند. از این دیدگاه، مسکن دولتی باید از طریق ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر و تفسیرپذیر، امکان بروز و همزیستی هویت فردی و هویت جمعی را در کنار هم فراهم آورد و فراتر از پاسخ‌های کالبدی صِرف، به دنبال بستری برای تولید معنای جدید باشد.

در تکمیل این نگاه، اسدی (۱۴۰۲) بر ضرورت تلفیق بومی‌گرایی انتقادی (Frampton, 1983) با مفهوم تکنولوژی هویتی تأکید می‌کند. از نظر او، برای احیای هویت در پروژه‌های دولتی، استفادهٔ صِرف از مصالح یا فرم‌های سنتی کافی نیست، بلکه باید از فناوری‌ها و ابزارهای طراحی نوین برای بازتولید ارزش‌های فرهنگی اساسی مانند سلسله‌مراتب محرمیت و تعاملات اجتماعی در قالب‌های معماری معاصر بهره جست. این رویکردهای جدید بر آن‌اند تا خلاء فرهنگی ایجادشده در مسکن دولتی را با ابزارهای بومی و در عین حال به‌روز، پر کنند.

۲-۴. نظریه‌های جهانی مرتبط با هویت و فرهنگ بومی

۴-۲-۱. کریستیان نوربرگ-شولتز: روح مکان (Genius Loci)

نوربرگ-شولتز با رویکرد پدیدارشناسی، بر این باور است که هر مکان واجد «روح» خاصی است که از تعامل میان کالبد، طبیعت و تجربهٔ انسانی حاصل می‌شود. به نظر او، معماری باید این روح مکان را آشکار سازد و امکان تجربهٔ اصیل سکونت را برای انسان فراهم کند (Norberg-Schulz, 1980).

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** اگر طراحی پروژه‌های مسکن مهر خرم‌آباد با درک ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی منطقه انجام می‌گرفت، می‌توانست حس تعلق و پیوند با محیط را در میان ساکنان تقویت کند.

۴-۲-۲. یوهانی پالاسما: معماری حسی و بدن‌مند

پالاسما در کتاب چشمان پوست تأکید می‌کند که تجربهٔ معماری صرفاً بصری نیست، بلکه همهٔ حواس انسان درک فضا را شکل می‌دهند (Pallasmaa, 2012). بو، صدا، بافت و دما بخشی از تجربهٔ فضایی‌اند.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** مسکن دولتی‌ساخت

می‌تواند با بهره‌گیری از مصالح بومی و طراحی فضاهای نیمه‌باز، تجربه‌ای حسی و نزدیک به فرهنگ زیست محلی ایجاد کند.

۴-۲-۳. کنث فرامپتون: منطقه‌گرایی انتقادی

فرامپتون در برابر جهانی‌سازی و مدرنیسم یکسان‌ساز، نظریهٔ «منطقه‌گرایی انتقادی» را مطرح کرد (Frampton, 1983). او معتقد است معماری باید میان تکنولوژی مدرن و سنت‌های بومی تعادلی انتقادی برقرار کند.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** مسکن دولتی‌ساخت می‌تواند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در کنار الگوهای سنتی (مثلاً حیاط مرکزی یا ایوان)، کیفیت سکونت و هویت بومی را توأمان بازتاب دهد.

۴-۲-۴. ادوارد سوجا: تولید اجتماعی فضا

سوجا با مفهوم «فضای سوم» توضیح می‌دهد که فضا نه صرفاً کالبدی و نه صرفاً اجتماعی است، بلکه محصول تعامل این دو است (Soja, 1996).

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** طراحی مسکن دولتی‌ساخت باید هم به کالبد و هم به الگوهای اجتماعی توجه داشته باشد تا ساکنان احساس تعلق و عدالت فضایی کنند.

۴-۲-۵. دورین مسی: فضا به‌مثابه برساخته‌ای اجتماعی

مسی فضا را نتیجهٔ روابط اجتماعی چندلایه می‌داند (Massey, 2005).

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** در خرم‌آباد، اگر روابط خانوادگی و عشیره‌ای در طراحی فضاها بازتاب داده شوند (مثلاً طراحی حیاط مشترک یا فضاهای تجمع کوچک)، حس هویت تقویت خواهد شد.

۴-۲-۶. پل ریکور: هویت روایی (Narrative Identity)

ریکور معتقد است که هویت فرد و جامعه در قالب روایت‌ها و خاطرات شکل می‌گیرد (Ricoeur, 1991). معماری نیز بخشی از این روایت‌هاست؛ بناها حامل حافظهٔ جمعی‌اند و تجربهٔ زیستهٔ نسل‌ها را در خود بازتاب می‌دهند.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** طراحی باید به‌گونه‌ای باشد که فضاها امکان بازتاب سنت‌ها و خاطرات جمعی مردم را فراهم کنند. مثلاً در خرم‌آباد، طراحی فضاهای نیمه‌باز برای آیین‌های محلی می‌تواند بخشی از این هویت روایی باشد.

۴-۲-۷. هومی بابا: فضاهای میان‌مکانی (Third Space)

هومی بابا مفهوم «فضای سوم» را به‌عنوان فضایی سیال معرفی می‌کند که در آن هویت‌ها در حال تغییر و مذاکره‌اند (Bhabha, 1994).

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** مسکن دولتی‌ساخت می‌تواند بستری برای هم‌زیستی فرهنگ‌های مختلف باشد و فضایی انعطاف‌پذیر ایجاد کند تا هویت‌های نوین شهری در آن شکل بگیرند.

۴-۲-۸. پیتر زومتور: کیفیت معنوی فضا

زومتور بر تجربهٔ احساسی و معنوی معماری تأکید دارد. به باور او، معماری باید حس آرامش، امنیت و معنویت ایجاد کند (Zumthor, 2010).

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** با طراحی فضاهایی که نور طبیعی، مصالح بومی و سکوت را در خود جای دهند، مسکن دولتی‌ساخت می‌تواند حس آرامش و هویت فرهنگی را تقویت کند.

۴-۲-۹. ادوارد هال: فرهنگ و ارتباطات فضایی

ادوارد هال در مطالعات انسان‌شناسی فضایی نشان

داد که فرهنگ‌ها الگوهای متفاوتی در استفاده از فضا دارند (Hall, 1966).

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** طراحی مسکن دولتی‌ساخت باید با توجه به الگوهای فرهنگی استفاده از فضا در لرستان انجام شود؛ مثلاً تأکید بر فضاهای جمعی خانوادگی.

۴-۲-۱۰. کریستوفر الکساندر: الگوهای طراحی

الکساندر با طرح «زبان الگو» معتقد بود که معماری باید بر پایهٔ الگوهای تکرارشونده‌ای طراحی شود که ریشه در تجربه‌های موفق انسانی دارند (Alexander, 1977).

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** برای خرم‌آباد می‌توان الگوهایی از معماری بومی همچون حیاط مرکزی، ایوان و جداره‌های آجری را در مسکن دولتی‌ساخت بازتولید کرد.

۴-۳. نظریه‌های ایرانی مرتبط با هویت و فرهنگ بومی:

۴-۳-۱. نسرین ترابی: سنت و هویت در معماری معاصر ایران

ترابی (۱۳۹۶) بر این باور است که بی‌توجهی به سنت‌های بومی موجب گسست میان معماری معاصر و هویت ایرانی شده است. او بازگشت خلاقانه

جدول۱. نظریه‌های جهانی مرتبط با هویت و فرهنگ بومی در طراحی مسکن دولتی‌ساخت (منبع: نگارندگان).

نظریه‌پرداز	مفهوم/کلیدواژه	گزارهٔ نظری (خلاصه)	کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت
کریستیان نوربرگ-شولتز	روح مکان	هر مکان روح خود را از تعامل کالبد، طبیعت و تجربهٔ انسانی می‌گیرد	درک ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی منطقه برای تقویت حس تعلق ساکنان
یوهانی پالاسما	معماری حسی و بدن‌مند	تجربهٔ فضا با مشارکت همهٔ حواس شکل می‌گیرد	استفاده از مصالح بومی و فضاهای نیمه‌باز برای تجربهٔ حسی بومی
کنث فرامپتون	منطقه‌گرایی انتقادی	تعادل انتقادی میان تکنولوژی مدرن و سنت‌های بومی ضروری است	ترکیب فناوری نو با الگوهای سنتی (حیاط مرکزی، ایوان)
ادوارد سوجا	تولید اجتماعی فضا / فضای سوم	فضا محصول تعامل کالبد و روابط اجتماعی است	توجه به الگوهای اجتماعی برای عدالت فضایی و تعلق
دورین مسی	فضا به‌مثابه برساختهٔ اجتماعی	فضا حاصل روابط اجتماعی چندلایه است	بازتاب روابط خانوادگی/عشیره‌ای در فضاهای جمعی (حیاط مشترک)
پل ریکور	هویت روایی	هویت فرد و جامعه در روایت‌ها و حافظهٔ جمعی شکل می‌گیرد	پیش‌بینی فضاهای نیمه‌عمومی/ آیینی برای تداوم خاطرهٔ جمعی
هومی بابا	فضای سوم	هویت‌ها سیال و در حال مذاکره‌اند	طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر برای هم‌زیستی فرهنگی
پیتر زومتور	کیفیت معنوی فضا	معماری باید آرامش، امنیت و معنویت ایجاد کند	بهره‌گیری از نور طبیعی، مصالح بومی و فضاهای آرام
ادوارد هال	فرهنگ و ارتباطات فضایی	فرهنگ‌ها الگوهای متفاوتی در استفاده از فضا دارند	طراحی متناسب با فرهنگ استفاده از فضا در لرستان
کریستوفر الکساندر	زبان الگو	الگوهای تکرارشوندهٔ موفق مبنای طراحی هستند	بازتولید الگوهایی مثل حیاط مرکزی، ایوان و جداره‌های آجری

به سنت‌ها را راهی برای احیای هویت در معماری می‌داند.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** در مسکن دولتی‌ساخت، می‌توان عناصر سنتی مانند ایوان و حیاط مرکزی را با رویکردی نوین بازآفرینی کرد.

۴-۳-۲. زهرا شریفی: فرهنگ بومی و کیفیت زندگی سکونتی

شریفی (۱۳۹۵) نشان داده است که فرهنگ بومی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت زندگی دارد. بی‌توجهی به این فرهنگ منجر به کاهش رضایت‌مندی و حس تعلق می‌شود.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** طراحی مسکن مهر در خرم‌آباد اگر با الگوهای فضایی فرهنگ لر هماهنگ می‌بود، کیفیت زندگی به مراتب بالاتر می‌رفت.

۴-۳-۳. حسن هدایتی: هویت کالبدی در مسکن اجتماعی

هدایتی (۱۳۹۷) بر اهمیت هویت کالبدی در ایجاد حس تعلق در مسکن اجتماعی تأکید دارد. او معتقد است که طراحی تیپ‌وار و بی‌توجه به بستر فرهنگی، موجب بیگانگی ساکنان می‌شود.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** بازطراحی واحدهای مسکن دولتی‌ساخت در خرم‌آباد باید براساس هویت کالبدی بومی صورت گیرد.

۴-۳-۴. محمد مقیمی: فرهنگ بومی و طراحی پایدار

مقیمی (۱۳۹۸) ارتباط میان فرهنگ بومی و پایداری معماری را بررسی کرده است. به اعتقاد او، طراحی پایدار تنها با بازگشت به ارزش‌های بومی تحقق می‌یابد.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** مسکن دولتی‌ساخت می‌تواند با الهام از فرهنگ بومی لرستان، مصرف انرژی را کاهش دهد و پایداری بیشتری داشته باشد.

۴-۳-۵. علی میرزایی: معماری و هویت بومی

میرزایی (۱۳۹۴) بیان می‌کند که معماری بومی انعکاس مستقیم فرهنگ زیستی مردم است. او معتقد است که هویت در معماری تنها از طریق پیوند با فرهنگ محلی شکل می‌گیرد.

- **کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت:** در خرم‌آباد، مسکن دولتی‌ساخت باید از سازمان فضایی خانه‌های بومی الهام بگیرد.

جدول ۲. نظریه‌های ایرانی مرتبط با هویت و فرهنگ بومی (منبع: نگارندگان).

نظریه‌پرداز	مفهوم/کلیدواژه	گزارهٔ نظری (خلاصه)	کاربرد در مسکن دولتی‌ساخت
نسرین ترابی	سنت و هویت در معماری معاصر	گسست از سنت‌های بومی موجب افت هویت است/ بازگشت خلاقانه لازم است	بازآفرینی خلاقانهٔ ایوان و حیاط مرکزی در طرح‌های دولتی
زهرا شریفی	فرهنگ بومی و کیفیت زندگی سکونتی	فرهنگ بومی عامل کلیدی کیفیت و رضایت‌مندی سکونتی است	هماهنگی الگوهای فضایی با فرهنگ لر برای ارتقای کیفیت زندگی
حسن هدایتی	هویت کالبدی در مسکن اجتماعی	تیپ‌سازی بی‌توجه به بستر فرهنگی موجب بیگانگی ساکنان می‌شود	طراحی براساس هویت کالبدی بومی و زمینه‌گرایی
محمد مقیمی	فرهنگ بومی و طراحی پایدار	پایداری با اتکا به ارزش‌ها و دانش بومی محقق می‌شود	کاهش مصرف انرژی با مصالح بومی و اقلیم‌گرایی
علی میرزایی	معماری و هویت بومی	معماری بومی بازتاب مستقیم فرهنگ زیستی مردم است	الهام از سازمان فضایی خانه‌های بومی خرم‌آباد

۵. تحلیل داده‌ها

مرور مبانی نظری و مطالعات پیشین نشان داد که شاخص‌های فرهنگی و هویتی در طراحی مسکن دولتی‌ساخت، در سه دستهٔ اصلی قابل طبقه‌بندی است:

- **شاخص‌های فضایی – کالبدی**
  - محرمیت و سلسله‌مراتب فضایی
  - پیوند با طبیعت (حیاط، ایوان، فضای نیمه‌باز)
  - استفاده از مصالح بومی و هویت‌مند
- **شاخص‌های اجتماعی – فرهنگی**
  - تقویت تعاملات اجتماعی و همسایگی
  - بازتاب آیین‌ها، سنت‌ها و روایت‌های محلی
  - فضاهای مشارکتی و جمعی
- **شاخص‌های کیفی – زیست‌محیطی**
  - کیفیت تجربهٔ حسی (نور، صدا، بافت)
  - صرفه‌جویی انرژی و پایداری زیست‌محیطی
  - آرامش و امنیت روانی

این شاخص‌ها حاصل ادغام نظریه‌های جهانی (نوربرگ-شولتز، پالاسما، فرامپتون، سوجا، مسی و...) با مطالعات داخلی (ترابی، شریفی، میرزایی، هدایتی، مقیمی و...) هستند.

جدول۳. جمع‌بندی نظریه‌ها و پژوهش‌های مرتبط با هویت و فرهنگ بومی در مسکن دولتی‌ساخت

دسته‌بندی	نظریه‌پردازان/مطالعات	نکتهٔ کلیدی	کاربرد مسکن دولتی‌ساخت
فضایی-کالبدی	نوربرگ-شولتز، الکساندر، میرزایی	محرمیت، حیاط مرکزی، مصالح بومی	طراحی با الهام از معماری سنتی
اجتماعی-فرهنگی	مسی، سوجا، ریکور، شریفی	تعامل اجتماعی، روایت جمعی، آیین ها	فضاهای جمعی و نیمه‌عمومی
کیفی-زیست محیطی	پالاسما، زومتور، مقیمی	تجربهٔ حسی، صرفه‌جویی انرژی	طراحی پایدار و بومی

این جدول نشان می‌دهد که شاخص‌های فضای ـ کالبدی، اجتماعی ـ فرهنگی و کیفی ـ زیست‌محیطی چگونه در نظریه‌های جهانی و مطالعات داخلی بازتاب یافته‌اند و مبنای چهارچوب نظری این پژوهش قرار گرفته‌اند.

۵-۱. مدل مفهومی پیشنهادی

چهارچوب نظری این پژوهش بر پایهٔ یک مدل سه‌سطحی طراحی شده است:

- **ورودی‌ها (Inputs)**
  - سیاست‌های کلان دولت در حوزهٔ مسکن
  - فرهنگ بومی و ارزش‌های محلی (لرستان و خرم‌آباد)
  - سنت‌های معماری بومی (حیاط مرکزی، ایوان، سلسله‌مراتب فضایی)
- **شاخص‌های میانجی (Mediators)**
  - کیفیت فضا (نورگیری، تهویه، مقیاس انسانی)
  - تعاملات اجتماعی (فضاهای جمعی، محله‌محوری)
  - صرفه‌جویی انرژی (مصالح بومی، اقلیم‌گرایی)
  - تزئینات و نمادهای فرهنگی (کاشی‌کاری، سنگ محلی)
- **خروجی‌ها (Outputs)**
  - ارتقای کیفیت سکونت
  - بازتولید هویت فرهنگی
  - پایداری اجتماعی و همبستگی محلی

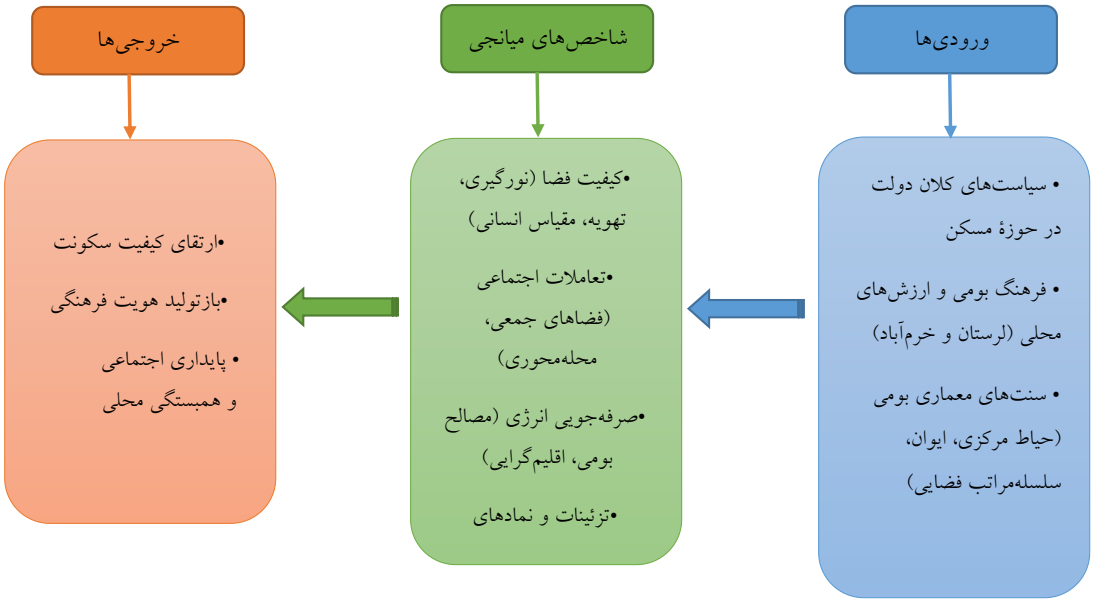

تصویر۱.مدل مفهومی طراحی مسکن دولتی‌ساخت با رویکرد هویت و فرهنگ بومی (موردی: خرم آباد) (منبع: نگارندگان).

۵- ۲. ویژگی‌های چهارچوب پیشنهادی

- **بومی‌گرایی پویا:** چهارچوب به جای بازتولید صرف سنت، آن را در قالبی نو و معاصر به کار می‌گیرد.
- **تعامل چندسطحی:** شاخص‌ها نه فقط در سطح کالبد، بلکه در سطح اجتماعی و فرهنگی نیز لحاظ می‌شوند.
- **کاربردپذیری:** مدل قابلیت انطباق در سیاست‌گذاری و طراحی واقعی پروژه‌های مسکن دولتی‌ساخت را دارد.

۵- ۳. تبیین نظری در مورد خرم‌آباد

با توجه به بافت فرهنگی لرستان، این چهارچوب نظری در خرم‌آباد معنا پیدا می‌کند:

- در خانه‌های تاریخی خرم‌آباد (آخوند ابوقاضی، کشفی، جوادیان)، شاخص‌های محرمیت، سلسله‌مراتب و پیوند با طبیعت به‌وضوح دیده می‌شوند.
- در پروژه‌های مسکن مهر خرم‌آباد، غیبت این شاخص‌ها باعث بی‌هویتی و کاهش حس تعلق شده است.
- بنابراین، چهارچوب پیشنهادی می‌تواند الگویی برای بازآفرینی این ارزش‌ها در طراحی جدید باشد.

۶. تحلیل موردی خرم‌آباد

۶-۱. خانه‌های بومی و تاریخی خرم‌آباد

۶-۱-۱. خانهٔ آخوند ابوقاضی

- **قدمت:** قاجار، پلوی نخست
- **پلان:** حیاط مرکزی با الگوی چهارجبهه‌ای
- **کالبد:** دیوارهای سنگی و خشتی، اتاق‌ها پیرامون حیاط، ایوان عریض
- **نما:** تزئینات آجری ساده، قوس‌های نیم‌دایره در ورودی
- **ویژگی هویتی:** جداسازی روشن عرصهٔ عمومی و خصوصی، تطابق کامل با اقلیم و فرهنگ محلی

۶-۱-۲. خانهٔ سیدعبدالله کشفی

- **قدمت:** قاجار
- **پلان:** حیاط‌محور با ورود غیرمستقیم و سلسله‌مراتب فضایی (عمومی—خصوصی)

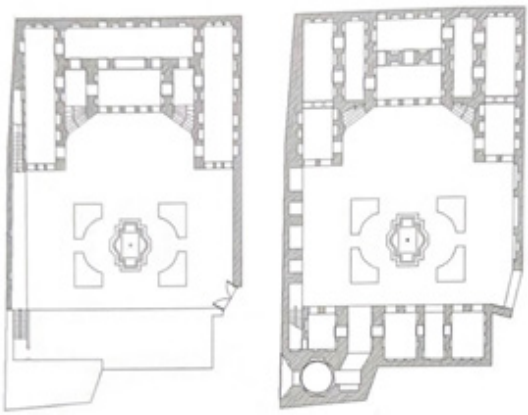

تصاویر۲. خانهٔ تاریخی آخوند ابوقاضی؛ پلان طبقهٔ همکف سمت راست، طبقهٔ نخست سمت چپ (منبع: نگارندگان).

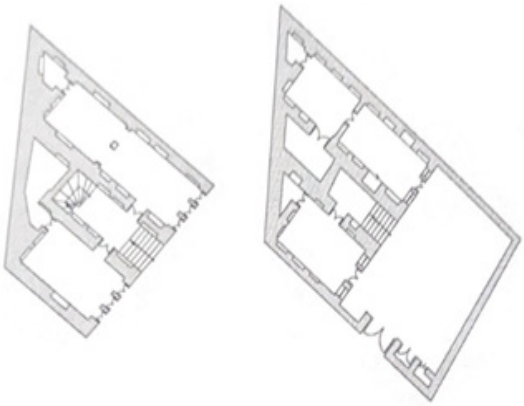

تصاویر ۳. خانهٔ تاریخی سید عبدالله کشفی؛ پلان طبقهٔ همکف سمت راست، طبقهٔ نخست سمت چپ (منبع: نگارندگان)

• **کالبد:** دیوارهای قطور خشتی و آجری، ایوان‌های رو به حیاط، تهویهٔ طبیعی

• **نما:** آجرکاری ساده با قوس‌ها و طاقچه‌های محلی

• **ویژگی هویتی:** تأکید بر محرمیت، تعامل اجتماعی در ایوان، استفاده از مصالح بومی

۳-۱-۶. خانهٔ جوادیان

• **قدمت:** قاجار

• **پلان:** دو جبهه‌ای (شمالی و جنوبی) با حیاط مرکزی و ایوان (ایوانچه)، در دو طبقه

• **کالبد:** دیوارهای خشتی و گلی با تیرپوش چوبی و طاق ضربی؛ شامل اتاق‌های متنوع در دو طبقه

• **نما:** بهره‌گیری از پنجره‌های ارسی، آجرکاری‌های تزئینی و عناصر چوبی

• **ویژگی هویتی:** پیوند با اقلیم و فرهنگ محلی از طریق حیاط مرکزی، تهویهٔ طبیعی و تناسبات فضایی بومی

معماری سنتی خرم‌آباد بازتاب مستقیم فرهنگ و سبک زندگی مردم لرستان است. خانه‌هایی چون خانهٔ آخوند ابوقاضی، خانهٔ کشفی و خانهٔ جوادیان نمونه‌های شاخصی هستند که در آن‌ها اصول محرمیت، سلسله‌مراتب فضایی، و پیوند با طبیعت به‌خوبی رعایت شده است.

• **سلسله‌مراتب فضایی:** ورود تدریجی از فضای عمومی به نیمه‌خصوصی و سپس خصوصی

• **محرمیت:** جدایی واضح فضاهای زنانه و مردانه، وجود حیاط‌های درون‌گرا

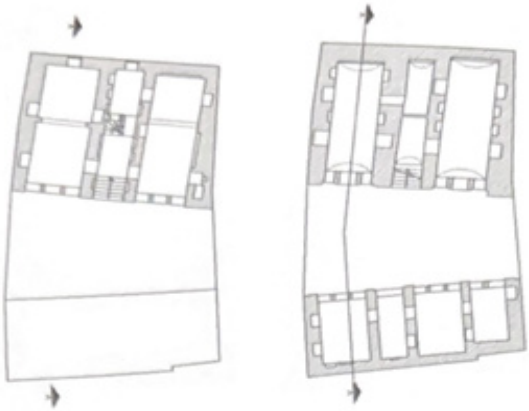

تصاویر۴. خانهٔ جوادیان؛ پلان طبقهٔ همکف سمت راست، طبقهٔ نخست سمت چپ (منبع: نگارندگان)

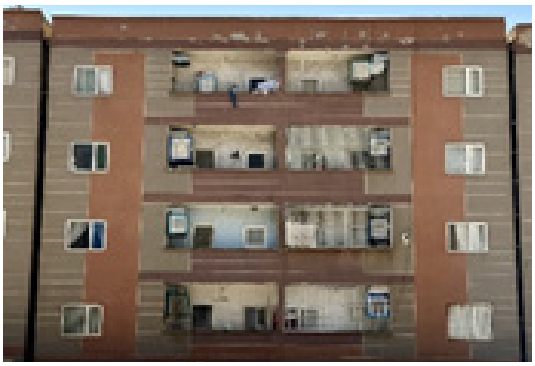

تصاویر۵. مسکن مهر شریعتی، دره گرم و کمالوند (از راست به چپ) (منبع: نگارندگان).

- **پیوند با طبیعت:** حیاط مرکزی با باغچه، درخت و حوض، حضور ایوان‌ها و پنجره‌های رو به حیاط
- **مصالح بومی:** استفاده از سنگ، چوب، خشت و آجر که هماهنگ با اقلیم و منظر طبیعی منطقه است.

این ویژگی‌ها نه‌تنها نیازهای اقلیمی و عملکردی را پاسخ می‌دادند، بلکه بستر حفظ سنت‌ها، آیین‌ها و تعاملات اجتماعی بودند.

۲-۶. پروژه‌های مسکن مهر در خرم‌آباد

در مقابل، پروژه‌های مسکن مهر شریعتی، دره‌گرم و کمالوند نمایانگر سیاست‌های تیپ‌سازی و کمّی دولت در دههٔ ۱۳۸۰ هستند.

ویژگی‌های اصلی این پروژه‌ها عبارت‌اند از:

- **تیپ‌وارگی:** بلوک‌های تکراری بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی یا اقلیمی
- **فقدان سلسله‌مراتب فضایی:** ورود مستقیم از معبر به واحد مسکونی بدون واسطهٔ فضایی
- **بی‌توجهی به محرمیت:** دید مستقیم به فضاهای خصوصی از بیرون و تراکم بالای بلوک‌ها
- **جدایی از طبیعت:** حذف حیاط مرکزی و کاهش فضاهای باز و نیمه‌باز
- **مصالح صنعتی:** استفاده از بتن و آجر صنعتی بدون

ارزش‌های زیباشناختی بومی

نتیجهٔ این وضعیت، احساس بیگانگی ساکنان با محیط سکونتی، کاهش تعاملات اجتماعی، و افت کیفیت زندگی است. بسیاری از ساکنان گزارش کرده‌اند که فضای جدید با سبک زندگی آن‌ها هماهنگ نیست و حس تعلقی ایجاد نمی‌کند.

۳-۶. مقایسهٔ تطبیقی

مقایسهٔ خانه‌های تاریخی خرم‌آباد با پروژه‌های مسکن مهر نشان می‌دهد که:

- در حالی‌که خانه‌های بومی بافت اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی منطقه را منعکس می‌کردند، مسکن مهر براساس الگویی بی‌مکان و بی‌هویت ساخته شد.

- اصولی چون محرمیت، تعاملات اجتماعی و پیوند با طبیعت که در خانه‌های سنتی وجود داشت، در پروژه‌های دولتی به حاشیه رانده شد.

- در نتیجه، پروژه‌های جدید نتوانستند نقش معماری را در بازتاب هویت فرهنگی و تقویت حس تعلق مکانی ایفا کنند.

این تحلیل نشان می‌دهد که چهارچوب نظری پیشنهادی مقاله -با تأکید بر شاخص‌های فرهنگی و هویتی- می‌تواند مبنای بازاندیشی در طراحی مسکن دولتی خرم‌آباد قرار گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که ضعف‌های اساسی پروژه‌های مسکن دولتی‌ساخت در خرم‌آباد نه صرفاً در حوزهٔ کمیت و تیپ‌سازی، بلکه عمدتاً در نادیده گرفتن شاخص‌های فرهنگی و هویتی نهفته است. تحلیل مبانی نظری و مرور پیشینه‌ها آشکار ساخت که شاخص‌هایی نظیر محرمیت، سلسله‌مراتب فضایی، تعاملات اجتماعی، پیوند با طبیعت و روایت‌پذیری فضایی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد حس تعلق و کیفیت سکونت دارند. این شاخص‌ها در معماری بومی منطقه (خانه‌های سنتی خرم‌آباد) به‌خوبی تحقق یافته بودند، اما در پروژه‌های جدید (همچون مسکن مهر) به حاشیه رانده شده‌اند.

مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش سه سطح متمایز را برجسته می‌سازد:

- **ورودی‌ها:** سیاست‌های کلان دولت، فرهنگ بومی و سنت‌های محلی
- **شاخص‌های میانجی:** کیفیت فضا، تعامل اجتماعی، مصرف بهینهٔ انرژی و حضور نمادها و تزئینات فرهنگی
- **خروجی‌ها:** ارتقای کیفیت سکونت، بازتولید هویت فرهنگی و تقویت پایداری اجتماعی

این مدل نشان می‌دهد که بدون توجه به سطح ورودی‌ها (سیاست‌ها و فرهنگ بومی)، شاخص‌های میانجی قادر به شکل‌گیری نخواهند بود و در نتیجه، خروجی‌ها نیز فاقد کیفیت لازم باقی خواهند ماند. بنابراین، سیاست‌های انبوه‌سازی مسکن در ایران و به‌ویژه در خرم‌آباد، نیازمند بازنگری جدی‌اند تا از تکرار الگوهای کالبدی بی‌هویت پرهیز شود.

از منظر کاربردی، این پژوهش تأکید می‌کند که معماران باید از زبان معماری بومی لرستان الهام بگیرند و هم‌زمان فناوری‌های نوین را در خدمت ارتقای کیفیت فضایی قرار دهند. همچنین سیاست‌گذاران حوزهٔ مسکن باید از چهارچوب نظری پیشنهادی برای تدوین

آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های طراحی بهره‌برداری کنند، به‌گونه‌ای که پروژه‌های دولتی‌ساخت در آینده، علاوه بر پاسخ‌گویی به کمیت، کیفیت سکونت و هویت فرهنگی را نیز بازتولید نمایند.

۸. پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

با توجه به یافته‌ها و مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش، چند مسیر مهم برای تحقیقات آینده قابل ترسیم است:

۸-۱. مطالعات تطبیقی منطقه‌ای

بررسی تطبیقی طراحی مسکن دولتی‌ساخت در سایر شهرهای غرب ایران (مانند سنندج، کرمانشاه و ایلام) می‌تواند به شناخت بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی ـ هویتی منجر شود. این مقایسه به غنای مدل بومی کمک می‌کند و امکان تعمیم‌پذیری آن را افزایش می‌دهد.

۸-۲. ارزیابی میدانی مدل پیشنهادی

لازم است مدل مفهومی ارائه‌شده در عمل مورد آزمون قرار گیرد. اجرای پایلوت یا پروژه‌های کوچک‌مقیاس بر مبنای شاخص‌های پیشنهادی، می‌تواند میزان کارآمدی مدل در ارتقای کیفیت سکونت و تقویت هویت فرهنگی را نشان دهد.

۸-۳. مطالعات میان‌رشته‌ای

ترکیب یافته‌های معماری با حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی شهری، مردم‌شناسی و روان‌شناسی محیط می‌تواند ابعاد جدیدی از تجربهٔ سکونت و حس تعلق را روشن سازد. این رویکرد میان‌رشته‌ای به توسعهٔ سیاست‌های جامع‌تر در طراحی مسکن دولتی کمک خواهد کرد.

۸-۴. ارزیابی اثرات اقتصادی–اجتماعی

پژوهش‌های آتی می‌توانند تأثیر شاخص‌های هویتی و فرهنگی بر هزینه‌های ساخت، صرفه‌جویی انرژی و رضایت‌مندی ساکنان را به‌طور کمّی بررسی کنند. این موضوع به سیاست‌گذاران در توجیه اقتصادی بازنگری طرح‌های انبوه‌سازی کمک می‌کند.

۸-۵. بازاندیشی در سیاست‌گذاری کلان

پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده بر روی نحوهٔ انعکاس ارزش‌های فرهنگی و بومی در سیاست‌های کلان مسکن متمرکز شوند تا اطمینان حاصل شود که شاخص‌های هویتی نه در سطح طراحی خرد، بلکه در سطح برنامه‌ریزی کلان نیز نهادینه می‌شوند.

کتاب‌نامه

اسدی، ح. (۱۴۰۲). فناوری‌های نوین و بازآفرینی هویت در مسکن دولتی: ترکیب بومی‌گرایی و تکنولوژی هویتی. معماری و شهرسازی ایران، ۱۶(۳)، ۲۲-۳۸.

پاکزاد، م. (۱۴۰۱). هویت چندلایه و روایت‌های اجتماعی در فضاهای سکونتی معاصر. هویت شهری، ۱۱(۴)، ۷۷-۹۰.

ترابی، ن. (۱۳۹۶). سنت و هویت در معماری معاصر ایران. هویت شهری، ۱۰(۲)، ۵۵-۷۲.

حسینی، م. و سلیمی، ع. و پارسا، ر. (۱۴۰۱). تحلیل شکست‌های اجتماعی-فرهنگی مسکن اجتماعی: بحران هویت و معنای مکان. مسکن و محیط روستا، ۴۱(۱۷۶)، ۵-۲۰.

رجبی، س. (۱۴۰۲). از تیپ‌سازی تا طراحی زمینه‌گرا: رویکردی جدید در سیاست‌های مسکن دولتی. پژوهش‌های معماری بومی، ۸(۱)، ۴۹-۶۶.

شریفی، ز. (۱۳۹۵). نقش فرهنگ بومی در ارتقای کیفیت زندگی سکونتی. مطالعات مسکن، ۷(۱)، ۲۹-۴۴.

مقیمی، م. (۱۳۹۸). طراحی پایدار با رویکرد فرهنگ بومی در معماری ایران. هنر و معماری، ۱۵(۲)، ۱۱-۳۰.

میرزایی، ع. (۱۳۹۴). معماری بومی و بازتاب فرهنگ زیستی در لرستان. معماری ایرانی، ۸(۳)، ۸۱-۹۸.

نادری، ف. (۱۳۹۹). چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در پروژه‌های مسکن مهر. پژوهش‌های شهری، ۹(۱)، ۶۵-۸۴.

هدایتی، ح. (۱۳۹۷). هویت کالبدی و حس تعلق در مسکن اجتماعی ایران. معماری معاصر، ۱۲(۴)، ۴۱-۶۰.

Alexander, C. (1977). *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*. Oxford University Press.

Bhabha, H. K. (1994). *The Location of Culture*. Routledge.

Frampton, K. (1983). Towards a critical regionalism: Six points for an architecture of resistance. *The Anti-Aesthetic: Essays on Postmodern Culture*, 16-30.

Hall, E. T. (1966). *The Hidden Dimension*. Doubleday.

Massey, D. (2005). *For Space*. Sage Publications.

Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. Rizzoli.

Pallasmaa, J. (2012). *The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses* (3rd ed.). Wiley.

Ricoeur, P. (1991). Narrative identity. *Philosophy Today, 35*(1), 73-81.

Soja, E. W. (1996). *Thirdspace: Journeys to Los Angeles and Other Real-and-Imagined Places*. Blackwell.

Zumthor, P. (2010). *Thinking Architecture* (3rd ed.). Birkhäuser.